

خدمت بهائيه ها؟!

E-mail: shayanfar@kayhannews.ir

خدمت بهائيه ها؟!

دفتر پژوهش هاي روزنامه وزين كيهان

سلام عليكم، احتراماً به استحضار مي رساند: چندي قبل نامه اي در ۴ صفحه به تاريخ ۸۳/۸/۲۵ از طرف جامعه بهائيان ايران! به عنوان جناب آقاي خاتمي رياست محترم جمهوري به دستم رسيد پس از مطالعه آن نامه كه تماماً مظلوم نمايي آنها را منعكس کرده بود، دريغم آمد كه به آن جوابي داده نشود حال نمي دانم آقاي خاتمي به آن جواب داده اند يا خير؟ جواب نامه در دو بخش مي باشد:

الف- جواب مظلوم نمايي ها و خدماتي كه به رغم خود براي اين مملكت انجام داده اند.

ب- به مطلب مندرج در صفحه ۴ نامه مبني بر اينكه (بنابر احكام شريعت خود از حكومت و مقررات و قوانين مملكتي اطاعت مي كنند).

اينك شرح بند الف؛

اولاً آن چيزي كه در بدو امر به نظر مي رسد آن است كه در حكومت ۵۷ ساله پهلوي خصوصاً محمدرضا پهلوي دست آنها در تمام شئون ايران باز بود. بفرمائيد چه خدمتي به جامعه ايراني غير از توسعه دستگاه هاي خود و تشديد تبليغات بهائيه گري انجام داده اند؟

در زمان پهلوي دوم آنچه من اطلاع دارم امير عباس هويدا «نخست وزير»، منصور روحاني «وزير آب و برق و بعداً وزير كشاورزي»، عبدالكريم ايايي «سرلشكر و پزشك مخصوص»، هوشنگ نهاوندي «وزير علوم بعداً رئيس دفتر فرح»، سپهد اسداله صنيعي «وزير دفاع»، ذبيح اله قربان «رئيس دانشگاه شيراز»، فرخ رويارساي «وزير آموزش و پرورش»، عطاء اله خسرواني «وزير كار بعداً وزير آباداني و مسكن»، سپهد پرويز خسرواني «معاونت ژاندارمري و بعد از بازنشستگي رئيس باشگاه تاج و آجودان فرح»، دكتر منوچهر تسليمي «معاون دانشسراي عالي، وزير بازرگاني، وزير اطلاعات و آخرين پست در شركت نفت»، ايرج آهي

«رئیس دفتر شهرام سپهری نیا پسر اشرف»، پرویز ثابتی «رئیس امنیت داخلی ساواک» و سایر پست های کلیدی این مملکت همه بهائی بودند.

بفرمایید چه خدماتی انجام دادند غیر از خیانت و اشاعه فحشا؟ از نخست وزیر گرفته تا پایین. آیا تاکنون از خود پرسیده اید چرا هویدا یک سال پس از ازدواج با لیلا امامی او را طلاق داد یا امامی از او طلاق گرفت؟ به قدری موضوع کثیف است که از بازگویی آن شرم دارم، برای اطلاع آقایان لطفاً به خاطرات ارتشبد فردوست مراجعه فرمایید.

از خدمات آقای منصور روحانی وزیر کشاورزی (آوردن کرم های ساقه خوار که توسط آمریکایی ها آورده شده و شالیزارهای ایران و تمام شالیزارها را خراب کردند).

دکتر منوچهر تسلیمی که علاوه بر بهایی بودن عضو فراماسونری هم بود (فراماسونری در ایران به قلم اسماعیل راین مراجعه شود) در آخرین پست در شرکت نفت مبلغ ۴۰ میلیون دلار در اختیار ایشان گذاشته شد که برود از خارج اسباب بازی برای شرکت نفت خریداری کند، چون اوایل انقلاب بود و ایشان در خارج از کشور بود دیگر به ایران مراجعت نکرد و مبلغ ۴۰ میلیون دلار معلوم نشد چه بلایی به سرش آمد. دکتر «علی محمد ورقا» مدیر گروه جغرافی دانشگاه تربیت معلم در موقع فرار از ایران ۹۰ میلیون تومان بدهی مالیاتی داشت (به نقل از اسناد مکشوفه از لانه جاسوسی آمریکا) و من که در دانشگاهی خدمت می کردم، آقای دکتر «ایرج ایمن» که بهائی بود رئیس مؤسسه تحقیقات تربیتی آن دانشگاه بود و کارکنان مؤسسه را همه از بهایی ها انتخاب کرده بود به نام های «بهن دادگستر» دکتر «خسرو مهندسی»، «شادی مهرداد»، «بهیه فرهی - بیضائی» و علاوه بر افراد فوق سایر پست های کلیدی دانشگاه هم در دست فرقه شما بود یعنی دکتر «پرویز شاهپرکی» رئیس آموزش از استادان آقای قبله و همسرش دکتر مهربان - دکتر «عباسعلی روحانی» استاد مدرس روانشناسی کودک - «منصوری» تکنیسین یعنی بیش از ۲۰٪ مدیران و اساتید دانشگاه بهائی بودند. آقای دکتر ایرج ایمن (۱) سالی یک بار بنا به دعوت های معمول از فیلیپین با حکم خدمت و با اخذ حقوق و مزایا و پول هواپیما به فیلیپین می رفت برای تبلیغات بهائیگری، این بود شمه ای از خدمات عمرانی - اقتصادی و فرهنگی اعضای فرقه شما، شما که مدعی اطاعت از حکومت و مقررات و قوانین مملکتی هستید، بفرمایید عدم پرداخت مالیات - رفتن برای تبلیغات بهائیگری با حکم رسمی خدمت و اخذ فوق العاده و اشاعه کرم ساقه خوار و به خاک سیاه نشان دادن کشاورزان شالیکار و بردن ۴۰ میلیون دلار شرکت نفت زیر مجموعه کدام یک از خدمات فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی و عمرانی قرار می گیرد؟

در عین اینکه من شاهد رسیدن نامه های صادره از بیت العدل و سایر لجنه های بهائیگری که همه جنبه تبلیغاتی داشت، بودم.

در دانشگاهی که من بودم، بالاخره صبرم لبریز شد و يك گزارش مفصل نوشته و فرستادم. حال نمی دانم آیا اثر آن گزارش بود یا مطالب دیگر که دو ماه بعد مؤسسه تحقیقات تربیتی به سرپرستی دکتر ایرج ایمن به کلي تعطیل و منسوخ شد و هریک از اغنام اله به جایی رفتند.

ب- در صفحه ۴ به این جمله برمی خوریم که «بهایان معتقد به وحدانیت الهیه و معترف به حقانیت جمیع ادیان و مرسلین و بقای روح و مصدق کلیه کتب آسمانی می باشند و بنا بر احکام شریعت خود از حکومت و مقررات و قوانین مملکتی اطاعت می کنند و در تامین منافع وطن از طریق خدمات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و عمرانی ساعی و جاهلند.» در مورد خدمات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی در قسمت الف توضیحات لازم داده شد و لزومی به تکرار آن نیست و اصل مسئله سر (احکام شریعت خود) می باشد. بفرمایید شما که معتقد وحدانیت الهیه- حقانیت ادیان- مصدق کتب آسمانی و مرسلین می باشید زیر مجموعه کدام يك از پیامبرانی که مصدق آنها هستید جایی دارید؟! یهودی- زرتشتی- عیسوی- اسلام که هریک دارای ۱۴۱۰۰ تا ۳۰۰۰ سال سابقه دارند و آگریکی از این پیامبران را قبول داشته باشید دیگر آوردن انواع کتاب شریعت جدید از قبیل: بیان- ایقان- نقطه الکاف، اقدس- رسائل و رقائم میرزا ابوالفضائل گلپایگانی- آثار اقلم اعلی- دعوت الامیر- تحفه الملوك- بحرالعرفان- مبادی الاستدلال- مفاوضات عبدالها- رساله دروسیه حضرت نعیم که به نام رساله استدلالیه معروف است- اختران تابان- تاریخ نبیل و صدها از این گونه ها که تماماً اقتباس از قرآن و کتب دینی اسلام است منتها با تحریف کامل! يك نمونه از تحریف ها که ماهیت شریعت شما را روشن می کند که به هیچ چیز اعتقاد ندارید این است که «منتظر ظهور خداوند بودید که آن هم ۱۶۱ سال قبل ظهور کرده»!! و این تحریف از نوع تحریفات معنوی می باشد.

نقل از ص ۴۵۴ مبادی الاستدلال تألیف جناب عنایت الله سهراب چاپ و مؤسسه ملی مطبوعات امری ۱۳۰ بدیع.

در مطلب دهم قضیه خاتم النبیین به قدری تخلیط و تحریف شده که خودشان بهتر می دانند اولاً معتقدند که خاتم النبیین «ت» با فتحه نبوده که خاتم پیغمبران باشد بلکه با کسره یعنی خاتم النبیین یعنی زینت پیغمبران بوده و با این استدلال سخیف مسئله خاتمیت را منکر شده اند.

و اما عین مطالب ص ۴۵۴؛

«... و این جمله صریح است براینکه این چنین ظهور عظیمی مقام او مقام نیابت و خلافت و امامت نیست بل ظهور کلي الهی است و مقام شاریعت و سلطنت الهیه و با اینکه در مقام موعود همین آیات و القاب عظیم کافی بود معذالك از برای اعلام و تنصیص براینکه در مقام موعود همین آیات و القاب عظیم دیانت متجدد خواهد شد و شریعت جدید ظهور خواهد نمود این آیه مبارکه نزول یافت که در سوره

نور آیه ۲۵ می فرماید: «یومئذ یوفهم الله دینهم الحق» یعنی در آن روز حق جل جلاله دین حق را وافیاً به خلق عنایت خواهد فرمود و این در غایت وضوح است که مقصود از این دین که در آیه کریمه وعده فرموده است که به خلق عنایت فرماید دین اسلام نیست زیرا که دین اسلام در ظهور حضرت رسول علیهم السلام وافیاً نازل شده و آن حضرت کاملاً به خلق ابلاغ فرمود بل مقصود شریعت جدیده است که کافل حقوق جمیع امم باشد بنابراین آنچه نقل و مذکور گردید، معلوم گردید که ختم نبوت نیست جز همان معتقدات و اشتباهات بلا دلیل امم سابقه.»

دلایل رد این مطالب سخیف به قدریست که می توان درباره آن کتاب ها نوشت ولی برای رعایت ایجاز و اختصار چند سطر می مرقوم می شود:

۱- آیه را تمام ننوشته بلکه تا آنجا که وافی به مقصود آقایان باشد نوشته و دو آیه ماقبل مربوط به کسانی است که به زنان پاک تهمت می زنند و آیه بعدی مربوط به اینکه در روز قیامت زبان ها و دست ها و قدم های افرادی که تهمت می زدند، علیه آنها شهادت می دهند و بالاخره آیه مستمسک آقایان که تا آخر نوشته نشده و بقیه آن چنین است و یعلمون ان الله هو الحق المبین. و ترجمه تمام آیه چنین است- که در آن روز خدا حساب و کیفر آنها را تمام و کامل خواهد پرداخت و خواهند دانست که خدا حق است و آشکار کننده (پنهانی ها) که البته ملاحظه خواهید فرمود که اصلاً ارتباط به استنباط آقایان ندارد بلکه مثل آنها مثل کسبی است که گفت در قرآن آمده لاتقربوا الصلاه یعنی به نماز نزدیک نشوید و انتم سکارا را فراموش کرده البته عمداً و این تحریف از نوع تحریف های معنوی است.

و آقایان مصداق واقعی آیه ۷۵ سوره بقره می باشند:
افتطمعون ان یومنوا لکم وقد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون-
یا طمع دارید که یهودیان به دین شما بگردند در صورتی که گروهی از آنها کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می کنند یا آن که در کلام خدا تعلق کرده و معنای آن را دریافته اند.
و در کتاب مزبور شاید بیش از یکصد آیه تحریف شده هست که برای اثبات ادعای خود به صورت ابتر نقل کرده اند.

در این باره مطلب زیاد است و به مصداق در خانه اگر کس است، یک حرف بس است.
در مورد کتاب استدلالیه حضرت نعیم مطلبی را که به خط خود عبدالبها به نویسنده کتاب استدلالیه نوشته، نقل می کنم:

«... آن وقت اگر خواهی نسخی از آن نزد احباء در سایر ولایات فرستی بسیار موافق ولی مکتوباً نه مطبوعاً زیرا طبع سبب آن گردد که به دست منافقان افتد و ممکن سبب تعرض حاسدان شود...»

و در نشر نفعاتي همتي نمايان نمايند من كه بسيار از قرائت استدلاليه مسرور و مشعوف گشتم و البته ياران الهی از قرائتش مسرور شوند ولي در طبعش الان قدری محذور است و مكتوباً اگر مرقوم شود و نسخ متعدده نزد احبائي امين ارسال گردد البته آنان نیز مستبشر گردند.

وعليك التحيه والثناء ع ع (۲)

البته همانطور كه ملاحظه مي فرماييد خودشان هم از طبع و توزيع آن هراسان بودند.

۱- از جمله كارهاي دكتر ايرج ايمن تهيه تست هاي مخصوص مورد علاقه سفارت آمريكا

۲- ع ع مخفف «عبدالبهاء عباس» است.

يوسف صبح روان

ژوئن ۲۰۰۵ - سال شصت و سوم - شماره ۱۸۲۶۸ 30 - پنجشنبه ۹ تیر ۱۳۸۴ - ۲۳ جمادی الاول ۱۴۲۶

خدمت بهائی ها؟!؟

E-mail:shayanfar@kayhannews.ir

خدمت بهائی ها؟!؟

دفتر پژوهش های روزنامه وزین کیهان

سلام علیکم، احتراماً به استحضار می رساند چندی قبل نامه ای در ۴ صفحه به تاریخ ۸۳/۸/۲۵ از طرف جامعه بهائیان ایران! به عنوان جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری به دستم رسید پس از مطالعه آن نامه که تماماً مظلوم نمایی آنها را منعکس کرده بود، دریغ آمد که به آن جوابی داده نشود حال نمی دانم آقای خاتمی به آن جواب داده اند یا خیر؟ جواب نامه در دو بخش می باشد:

الف- جواب مظلوم نمایی ها و خدماتی که به رغم خود برای این مملکت انجام داده اند.

ب- به مطلب مندرج در صفحه ۴ نامه مبنی بر اینکه (بنابر احکام شریعت خود از حکومت و مقررات و قوانین مملکتی اطاعت می کنند).

اینک شرح بند الف؛

اولاً آن چیزی که در بدو امر به نظر می رسد آن است که در حکومت ۵۷ ساله پهلوی خصوصاً محمدرضا پهلوی دست آنها در تمام شئون ایران باز بود. بفرمائید چه خدمتی به جامعه ایرانی غیر از توسعه دستگاه های خود و تشدید تبلیغات بهائیکری انجام داده اند؟

در زمان پهلوی دوم آنچه من اطلاع دارم امیرعباس هویدا «نخست وزیر»، منصور روحانی «وزیر آب و برق و بعداً وزیر کشاورزی»، عبدالکریم ایادی «سرلشکر و پزشک مخصوص»، هوشنگ نهاوندی «وزیر علوم بعداً رئیس دفتر فرح»، سپهبد اسداله صنیعی «وزیر دفاع»، ذبیح اله قربان «رئیس دانشگاه شیراز»، فرخ رویارسای «وزیر آموزش و پرورش»، عطاء اله خسروانی «وزیر کار بعداً وزیر آبادانی و مسکن»، سپهبد پرویز خسروانی «معاونت ژاندارمری و بعد از بازنشستگی رئیس باشگاه تاج و آجودان فرح»، دکتر منوچهر تسلیمی «معاون دانشسرای عالی، وزیر بازرگانی، وزیر اطلاعات و آخرین پست در شرکت نفت»، ایرج آهی

در دانشگاهی که من بودم، بالاخره صبرم لبریز شد و یک گزارش مفصل نوشته و فرستادم. حال نمی دانم آیا اثر آن گزارش بود یا مطالب دیگر که دو ماه بعد مؤسسه تحقیقات تربیتی به سرپرستی دکتر ایرج ایمن به کلی تعطیل و منسوخ شد و هر یک از اغنام اله به جایی رفتند.

ب- در صفحه ۴ به این جمله برمی خوریم که «بہائیان معتقد به وحدانیت الهیه و معترف به حقانیت جمیع ادیان و مرسلین و بقای روح و مصدق کلیه کتب آسمانی می باشند و بنا بر احکام شریعت خود از حکومت و مقررات و قوانین مملکتی اطاعت می کنند و در تأمین منافع وطن از طریق خدمات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و عمرانی ساعی و جاہدند.» در مورد خدمات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی در قسمت الف توضیحات لازم داده شد و لزومی به تکرار آن نیست و اصل مسئله سر (احکام شریعت خود) می باشد. بفرمایید شما که معتقد وحدانیت الهیه- حقانیت ادیان- مصدق کتب آسمانی و مرسلین می باشید زیر مجموعه کدام یک از پیامبرانی که مصدق آنها هستید جایی دارید؟! یهودی- زرتشتی- عیسوی- اسلام که هر یک دارای ۱۴۰۰ تا ۳۰۰۰ سال سابقه دارند و آگریکی از این پیامبران را قبول داشته باشید دیگر آوردن انواع کتاب شریعت جدید از قبیل: بیان- ایقان- نقطه الکاف، اقدس- رسائل و رقائم میرزا ابوالفضائل گلپایگانی- آثار اقلم اعلی- دعوت الامیر- تحفه الملوک- بحرالعرفان- مبادی الاستدلال- مفاوضات عبدالہا- رساله دروسیه حضرت نعیم که به نام رساله استدلالیہ معروف است- اختران تابان- تاریخ نبیل و صدها از این گونه ها که تماماً اقتباس از قرآن و کتب دینی اسلام است منتها با تحریف کامل! یک نمونه از تحریف ها که ماهیت شریعت شما را روشن می کند که به هیچ چیز اعتقاد ندارید این است که «منتظر ظهور خداوند بودید که آن هم ۱۶۱ سال قبل ظهور کرده»!! و این تحریف از نوع تحریفات معنوی می باشد.

نقل از ص ۴۵۴ مبادی الاستدلال تألیف جناب عنایت اللہ سہراب چاپ و مؤسسه ملی مطبوعات امری ۱۳۰ بدیع.

در مطلب دهم قضیه خاتم النبیین به قدری تخلیط و تحریف شده که خودشان بہتر می دانند اولاً معتقدند کہ خاتم النبیین «ت» با فتحه نبوده کہ خاتم پیغمبران باشد بلکه با کسره یعنی خاتم النبیین یعنی زینت پیغمبران بوده و با این استدلال سخیف مسئله خاتمیت را منکر شده اند.

و اما عین مطالب ص ۴۵۴؛

«... و این جمله صریح است براینکہ این چنین ظهور عظیمی مقام او مقام نیابت و خلافت و امامت نیست بل ظهور کلی الهی است و مقام شاریعت و سلطنت الهیه و با اینکه در مقام موعود همین آیات و القاب عظیم کافی بود معذالک از برای اعلام و تنصیص براینکہ در مقام موعود همین آیات و القاب عظیم دیانت متجدد خواهد شد و شریعت جدیدہ ظهور خواهد نمود این آیه مبارکہ نزول یافت کہ در سورہ

[REDACTED]

[SUMMARY TRANSLATION FROM PERSIAN]

[Translator's notes appear in square brackets [].]

30 June 2005

Kayhannews.ir

For the Bahá'ís

The research office of the Kayhan Newspaper

[In this letter, Mr. Yúsuf Şubḥ-Raván responds to the open letter of the Bahá'í community of Iran to the president of the country in two sections. The first section is under the heading "In response to the [Bahá'ís] pretensions of being oppressed and of having served the country". He explains that Bahá'ís had complete freedom during the Páhlaví era and only served their own purpose. He names some individuals in key governmental positions during the Pahlaví era, such as Amír 'Abbás Huvaydá, who he introduces as Bahá'ís. He alleges that Dr. 'Alí-Muḥammad Varqá, the then head of the faculty of geography in the teacher training institute, escaped Iran with an unpaid tax bill of ninety million tumáns. He also names Dr. Iraj Ayman, among many other Bahá'ís, who used their academic positions for their own benefit and that of the Bahá'í Faith.

The second section is under the heading "Issues regarding the Bahá'í beliefs in the unity of God, the truth of all His messengers and their books, belief in life after death and obedience to the government, raised in page four of the open letter". Here Mr. Şubḥ-Raván asks about the major religious traditions to which the Bahá'í Faith belongs. He considers the Bahá'í Writings as having been derived from the Qur'án and other Islamic books but conveying a corrupted sense of the original meanings. A few examples have been given.]

Yúsuf Şubḥ-Raván

[REDACTED]

[REDACTED]

[REDACTED]

[REDACTED]

[REDACTED]

[SUMMARY TRANSLATION FROM PERSIAN]

[Translator's notes appear in square brackets [].]

30 June 2005

Kayhannews.ir

For the Bahá'ís

The research office of the Kayhan Newspaper

[In this letter, Mr. Yúsuf Şubḥ-Raván responds to the open letter of the Bahá'í community of Iran to the president of the country in two sections. The first section is under the heading "In response to the [Bahá'ís] pretensions of being oppressed and of having served the country". He explains that Bahá'ís had complete freedom during the Pahlaví era and only served their own purpose. He names some individuals in key governmental positions during the Pahlaví era, such as Amír 'Abbás Huvaydá, who he introduces as Bahá'ís. He alleges that Dr. 'Alí-Muḥammad Varqá, the then head of the faculty of geography in the teacher training institute, escaped Iran with an unpaid tax bill of ninety million tumáns. He also names Dr. Iraj Ayman, among many other Bahá'ís, who used their academic positions for their own benefit and that of the Bahá'í Faith.

The second section is under the heading "Issues regarding the Bahá'í beliefs in the unity of God, the truth of all His messengers and their books, belief in life after death and obedience to the government, raised in page four of the open letter". Here Mr. Şubḥ-Raván asks about the major religious traditions to which the Bahá'í Faith belongs. He considers the Bahá'í Writings as having been derived from the Qur'án and other Islamic books but conveying a corrupted sense of the original meanings. A few examples have been given.]

Yúsuf Şubḥ-Raván

[REDACTED]

[REDACTED]

[REDACTED]

[REDACTED]